

پولس و سیلاس در تسالونیک

¹و از آمفیپولس و آپولونیه گذشته، به تسالونیک رسیدند که در آنجا کنیسه یهود بود.² پس پولس برحسب عادت خود، نزد ایشان داخل شده، در سه سبّت با ایشان از کتاب مباحثه می‌کرد³ و واضح و مبین می‌ساخت که لازم بود مسیح زحمت بیند و از مردگان برخیزد و عیسی که خبر او را به شما می‌دهم، این مسیح است.⁴ و بعضی از ایشان قبول کردند و با پولس و سیلاس متحد شدند و از یونانیان خداترس، گروهی عظیم و از زنان شریف، عددی کثیر.⁵ اما یهودیان بی‌ایمان حسد برده، چند نفر اشرار از بازارها را برداشته، خلق را جمع کرده، شهر را به شورش آوردند و به خانه یاسون تاخته، خواستند ایشان را در میان مردم ببرند.⁶ و چون ایشان را نیافتند، یاسون و چند برادر را نزد حکام شهر کشیدند و ندا می‌کردند که آنانی که ربع مسکون را شورانیده‌اند، حال بدینجا نیز آمده‌اند.⁷ و یاسون ایشان را پذیرفته است و همه اینها برخلاف احکام قیصر عمل می‌کنند و قایل بر این هستند که پادشاهی دیگر هست، یعنی عیسی.⁸ پس خلق و حکام شهر را از شنیدن این سخنان مضطرب ساختند⁹ و از یاسون و دیگران کفالت گرفته، ایشان را رها کردند.

پولس و سیلاس در بیریه

¹⁰اما برادران بی‌درنگ در شب پولس و سیلاس را به سوی بیریه روانه کردند و ایشان بدانجا رسیده، به کنیسه یهود درآمدند.¹¹ و اینها از اهل تسالونیک نجیتر بودند، چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و هر روز کتب را تفتیش می‌نمودند که آیا این همچنین است.¹² پس بسیاری از ایشان ایمان آوردند و از زنان شریف یونانیه و از مردان، جمعی عظیم.¹³ لیکن چون یهودیان تسالونیک فهمیدند که پولس در بیریه نیز به کلام خدا موعظه می‌کند، در آنجا هم رفته، خلق را شورانیدند.¹⁴ در ساعت برادران پولس را به سوی دریا روانه کردند ولی سیلاس با تیموتاؤس در آنجا توقف نمودند.¹⁵ و رهنمایان پولس او را به آتن آوردند و حکم برای سیلاس و تیموتاؤس گرفته که به زودی هر چه تاملتر به نزد او آیند، روانه شدند.

پولس در آتن

¹⁶اما چون پولس در آتن انتظار ایشان را می‌کشید،

¹Now when they had passed through Amphipolis and Apollonia, they came to Thessalonica, where was a synagogue of the Jews:²And Paul, as his manner was, went in unto them, and three sabbath days reasoned with them out of the scriptures,³Opening and alleging, that Christ must needs have suffered, and risen again from the dead; and that this Jesus, whom I preach unto you, is Christ.⁴And some of them believed, and consorted with Paul and Silas; and of the devout Greeks a great multitude, and of the chief women not a few.⁵But the Jews which believed not, moved with envy, took unto them certain lewd fellows of the baser sort, and gathered a company, and set all the city on an uproar, and assaulted the house of Jason, and sought to bring them out to the people.⁶And when they found them not, they drew Jason and certain brethren unto the rulers of the city, crying, These that have turned the world upside down are come hither also;⁷Whom Jason hath received: and these all do contrary to the decrees of Caesar, saying that there is another king, one Jesus.⁸And they troubled the people and the rulers of the city, when they heard these things.⁹And when they had taken security of Jason, and of the other, they let them go.¹⁰And the brethren immediately sent away Paul and Silas by night unto Berea: who coming thither went into the synagogue of the Jews.¹¹These were more noble than those in Thessalonica, in that they received the word with all readiness of mind, and searched the scriptures daily, whether those things were so.¹²Therefore many of

them believed; also of honourable women which were Greeks, and of men, not a few.¹³ But when the Jews of Thessalonica had knowledge that the word of God was preached of Paul at Berea, they came thither also, and stirred up the people.¹⁴ And then immediately the brethren sent away Paul to go as it were to the sea: but Silas and Timotheus abode there still.¹⁵ And they that conducted Paul brought him unto Athens: and receiving a commandment unto Silas and Timotheus for to come to him with all speed, they departed.¹⁶ Now while Paul waited for them at Athens, his spirit was stirred in him, when he saw the city wholly given to idolatry.¹⁷ Therefore disputed he in the synagogue with the Jews, and with the devout persons, and in the market daily with them that met with him.¹⁸ Then certain philosophers of the Epicureans, and of the Stoicks, encountered him. And some said, What will this babbler say? other some, He seemeth to be a setter forth of strange gods: because he preached unto them Jesus, and the resurrection.¹⁹ And they took him, and brought him unto Areopagus, saying, May we know what this new doctrine, whereof thou speakest, is?²⁰ For thou bringest certain strange things to our ears: we would know therefore what these things mean.²¹ (For all the Athenians and strangers which were there spent their time in nothing else, but either to tell, or to hear some new thing.)²² Then Paul stood in the midst of Mars' hill, and said, Ye men of Athens, I perceive that in all things ye are too superstitious.²³ For as I passed by, and beheld your devotions, I found an altar

روح او در اندرونش مضطرب گشت چون دید که شهر از بتها پر است.¹⁷ پس در کنیسه با یهودیان و خدایرستان و در بازار، هر روزه با هر که ملاقات می‌کرد، مباحثه می‌نمود.¹⁸ اما بعضی از فلاسفه اپیکوریین و رواقییین با او روبرو شده، بعضی می‌گفتند: این پاهوگو چه می‌خواهد بگوید؟ و دیگران گفتند: ظاهراً واعظ به خدایان غریب است. زیرا که ایشان را به عیسی و قیامت بشارت می‌داد.¹⁹ پس او را گرفته، به کوه مریخ بردند و گفتند: آیا می‌توانیم یافت که این تعلیم تازه‌ای که تو می‌گویی چیست؟²⁰ چونکه سخنان غریب به گوش ما می‌رسانی. پس می‌خواهیم بدانیم از اینها چه مقصود است.²¹ اما جمیع اهل آتنی و غربای ساکن آنجا جز برای گفت و شنید درباره چیزهای تازه فراغت نمی‌داشتند.

²² پس پولس در وسط کوه مریخ ایستاده، گفت: ای مردان آطینا، شما را از هر جهت بسیار دیندار یافته‌ام،²³ زیرا چون سیر کرده، معابد شما را نظاره می‌نمودم، مذهبی یافتم که بر آن، نام خدای ناشناخته نوشته بود. پس آنچه را شما ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌نمایم.²⁴ خدایی که جهان و آنچه در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است، در هیكلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد²⁵ و از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد، بلکه خود به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها می‌بخشد.²⁶ و هر ائمت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند و زمانهای معین و حدود مسکنهای ایشان را مقرر فرمود²⁷ تا خدا را طلب کنند که شاید او را تفحص کرده، بیابند، با آنکه از هیچ یکی از ما دور نیست.²⁸ زیرا که در او زندگی و حرکت و وجود داریم چنانکه بعضی از شعرای شما نیز گفته‌اند که از نسل او می‌باشیم.²⁹ پس چون از نسل خدا می‌باشیم، شاید گمان برد که الوهیت شباهت دارد به طلا یا نقره یا سنگ منقوش به صنعت یا مهارت انسان.³⁰ پس خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده، الآن تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند.³¹ زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف دآوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه او را از مردگان برخیزانید.

with this inscription, TO THE UNKNOWN GOD. Whom therefore ye ignorantly worship, him declare I unto you.²⁴ God that made the world and all things therein, seeing that he is Lord of heaven and earth, dwelleth not in temples made with hands;²⁵ Neither is worshipped with men's hands, as though he needed any thing, seeing he giveth to all life, and breath, and all things;²⁶ And hath made of one blood all nations of men for to dwell on all the face of the earth, and hath determined the times before appointed, and the bounds of their habitation;²⁷ That they should seek the Lord, if haply they might feel after him, and find him, though he be not far from every one of us:²⁸ For in him we live, and move, and have our being; as certain also of your own poets have said, For we are also his offspring.²⁹ Forasmuch then as we are the offspring of God, we ought not to think that the Godhead is like unto gold, or silver, or stone, graven by art and man's device.³⁰ And the times of this ignorance God winked at; but now commandeth all men every where to repent:³¹ Because he hath appointed a day, in the which he will judge the world in righteousness by that man whom he hath ordained; whereof he hath given assurance unto all men, in that he hath raised him from the dead.³² And when they heard of the resurrection of the dead, some mocked: and others said, We will hear thee again of this matter.³³ So Paul departed from among them.³⁴ Howbeit certain men clave unto him, and believed: among the which was Dionysius the Areopagite, and a woman named Damaris, and others with them.

³² چون ذکر قیامت مردگان شنیدند، بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند: مرتبه دیگر در این امر از تو خواهیم شنید.³³ و همچنین پولس از میان ایشان بیرون رفت.³⁴ لیکن چند نفر بدو پیوسته، ایمان آوردند که از جمله ایشان دیونیسیوس آریوپاگی بود و زنی که دامیرس نام داشت و بعضی دیگر با ایشان.